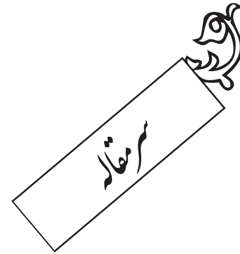


میر سید علی همدانی

پدیدآورده (ها) : حداد عادل، غلامعلی
ادبیات و زبانها :: شبه قاره (ویژه نامه نامه فرهنگستان) :: بهار و تابستان 1394 - شماره 4
از 7 تا 12
آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1162890





میر سیّد علی همدانی*

دکتر غلامعلی حدادعادل

در حدود یکصد سال پیش از این، شاعری ایرانی به نام «وحدت کرمانشاهی» که کم‌گوی و گزیده‌گوی بوده، غزلی سروده که من چند بیت از آن را، از آن جهت که گویی وصف حال میرسیدعلی همدانی است، به یاد او می‌خوانم:

از یک خروش یا رب شب‌زنده‌دارها — حاجت‌روا شدند هزاران هزارها
یک آه سرد سوخته‌جانی، سحر زند — در خرمن وجود جهانی شرارها
آری دعای نیمه‌شب دل‌شکستگان — باشد کلید قفل مهمات کارها
مینای می ز بند غمت می‌دهد نجات — هان ای حکیم گفتمت این نکته بارها
طاق و رواق میکده هرگز تهی مباد — از های و هوی عربدهٔ باده‌خوارها
پیغام دوست می‌رسدم هر زمان به گوش — از نغمه‌های زیر و بم چنگ و تارها
ساقی به یک کرشمهٔ مستانه در ازل — بربود عقل و دین و دل هوشیارها
وحدت به تیر غمزه و شمشیر ناز شد — بی‌جرم کشته در سر کوی نگارها

ابتدا باید از جمهوری تاجیکستان «یک جهان» تشکر کنم که با برپایی این همایش به

*. سخنرانی در همایش بین‌المللی علمی شناخت میر سیدعلی همدانی در تاجیکستان.

نکوداشت عارف بزرگ، امیر کبیر، شاه همدان، میر سیّد علی همدانی، که همان «امیرجان» تاجیکان است، همت گماشتند و قدر این گوهر نهفته در سینهٔ سرزمین خود را دانستند و چشم و دل مردمان را به سوی آن آفتاب درخشان معطوف ساختند.

خاک همدان از دیرباز عارف‌پرور بوده و کوه الوند در دامن و دامنهٔ خود بسی چون باباطاهر و عین‌القضات و میر سیّد علی را پرورده است. شکی نیست که جهان امروز، با همهٔ پیشرفتی که در علم و فنّاوری کرده، در انسانیت و اخلاق به انحطاط و پستی گراییده است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که روزی، بل، ساعتی نیست که خبری از قتل و خرابی و ویرانی از چارسوی عالم، به‌ویژه از عالم اسلام، به گوشمان نرسد و دلمان را به درد نیاورد. معلوم می‌شود که علم و فنّاوری، هرچند می‌تواند ما را بر طبیعت مسلط سازد، ما را سعادتمند نمی‌کند و انسان، بیش از تسلط بر طبیعت، محتاج تسلط بر خویشتن و مهار کردن نفس و هواهای نفسانی خویش است. این همان جوهر و چکیدهٔ تعالیم انبیای الهی و اولیای دین و عارفان بزرگ است که جناب میر سیّد علی همدانی را مسلماً باید از جملهٔ آنان دانست. بزرگداشت بزرگانی نظیر میر سیّد علی همدانی را در دنیای امروز نباید یک کار تشریفاتی و نمایشی به حساب آورد، بلکه باید آن را کوششی دانست به منظور رساندن پیام الهی و معنوی انسانی به بشر امروز که به شنیدن آن پیام بسیار محتاج است.

در باب میر سیّد علی همدانی چند نکته گفتنی است که به اختصار بدان اشاره می‌شود:

هر کسی شرح احوال میر سیّد علی و آثار او را خوانده و افکار او را شناخته باشد می‌داند که این عارف بزرگ در همهٔ عمر در عالم اسلام در سیر و سفر و جنبش و جوشش بوده تا بدان حد که در یک نوبت هفتصد تن از فرهیختگان و صنعتگران و هنرمندان را با خود از همدان به کشمیر برده و جامعهٔ جدیدی در آن سرزمین ایجاد کرده و به یک معنی، با تبدیل کشمیر به «ایران صغیر»، تمدن‌سازی کرده است. از اینجا می‌توان دریافت که عرفان، برخلاف آنچه می‌پندارند، با انزوا و گوشه‌گیری و عدم دخالت در امور اجتماعی و سیاست، ملازمه ندارد و عارف حقیقی کسی است که درعین‌حال که دل به دنیا نمی‌بندد، لحظه‌ای از کار جامعه و جهان غافل ننشیند، و این همان سخنی است که عارف بزرگ ایرانی دیگر، یعنی حافظ، که از قضا معاصر میر سیّد علی همدانی نیز بوده،

بیان کرده و گفته است:

مـرا بـه کـار جهـان هرگـز التفـات نبـود　　　رخ تو در نظر من چنـین خوشـش آراسـت

میر سیّد علی به معنی واقعی عارف و زاهد بوده و برای گذران زندگی خود شخصاً کـار می‌کرده است. به اقتصاد و صنعت و تولید توجه داشته و از صنعتگران و پیشه‌وران حمایت می‌کرده است. او زهد را در تولید هر چه بیشتر بـرای رفـاه جامعـه و مصـرف هرچـه کمتـر برای شخص خود می‌دانسته است. اقبال لاهوری تأثیر شگرف میر سیّد علی را در کشمیر این‌چنین بیان کرده است:

خطـــهٔ آن شـــاه دریاآســـتین　　　داد علـم و صـنعت و تهـذیب دیـن
آفریــد آن مــرد «ایــران صــغیر»　　　بـــا هنرهـــای غریـــب و دلپـــذیر

نکتهٔ مهم دیگری که از بررسی احوال و شخصیت میر سیّد علی بـر مـا معلـوم می‌شـود این است که بزرگان دین ما اسلام و ایمان را بـا اسـتفاده از عقلانیـت و عـدالت و محبـت و رأفت و رحمت تبلیـغ کرده‌انـد و گسـترش داده‌انـد. آفتـی کـه امـروز در قالـب تروریسـم و افراط‌گرایی به نام اسلام به جـان کشـورها و ملت‌هـای اسـلامی افتـاده هـیچ شـباهتی بـا اسلام حقیقی ندارد. برپایی همایشی به نام میـر سـیّد علـی همـدانی در اوضـاع و احـوال امروزی جهان اسلام که گرفتار هجوم بی‌رحمانهٔ تروریست‌ها و تکفیری‌ها شده، بـه معنـی اعلام برائت از رفتارهای خشن و بی‌رحمانه و بی‌منطق گروه‌های افراطی است.

میـر سـیّد علـی، بـه‌عنوان یـک مسـلمان، پیـرو پیـامبر و دوسـتدار حضـرت علـی ـ علیه‌السلام ـ بوده و می‌دانسته است که آن حضرت در نامهٔ خود به مالک اشـتر، هنگـامی که او برای حکومت بر مردم مصر عازم آن دیار بوده، فرموده است: ولا تکونن علیهم سـبعاً ضاریاً تغتنم اکلهم ، فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر فی الخلق.

هان ای مالک! نسبت به مردم چونان حیوان درنده و آسـیب‌زننده مبـاش کـه بلعیـدن مردم را غنیمت بدانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یـا انسـانی کـه در آفرینش فرقی با تو ندارند.

میر سیّد علی به فرهنگ و زبانی تعلق داشته که اندکی قبل از او سعدی نماینـدهٔ بـارز آن بوده و گفته است:

یکـــی ســـیرت نیـــک‌مردان شـــنو　　　اگـــــر نیـــک‌بختی و مردانـــــه‌رو

که شبلی ز حانوت گندم‌فروش / به ده برد انبان گندم به دوش
نگه کرد و موری در آن غله دید / که سرگشته هر گوشه‌ای می‌دوید
ز رحمت بر او شب نیارست خفت / به مأوای خود بازش آورد و گفت
مروت نباشد که این مور ریش / پراگنده گردانم از جای خویش
درون پراگندگان جمع دار / که جمعیتت باشد از روزگار
چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد / که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه‌کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه‌اندرون باشد و سنگدل / که خواهد که موری شود تنگدل

میر سیّد علی همدانی نسبت به مردم مهربان و دلسوز بوده، حاکمان و پادشاهان زمانهٔ خود را با صراحت و قاطعیت به مهربانی و عدل و داد نسبت به مردم دعوت می‌کرده است، چنانکه در نامه‌ای خطاب به یکی از شاهان گفته است که در روز قیامت: کار پادشاه و حاکم از همه سخت‌تر است؛ زیرا که هر کسی را از احوال وی پرسند و حاکم را از احوال جهانیان خواهند پرسید. اگر در آن روز توقع عفو و غفران داری از آن حضرت، امروز با بندگان او به عدل و احسان معامله کن، و این وقتی میسر شود که پیران رعایا را چون فرزند باشی و جوانان را چون برادر و طفلان را چون پدر و مظلومان را ناصر و ظالمان را قامع و فاجران را فاضح و تایبان را ناصح و مطیعان را معین و در قول صادق و در عهد واثق و در نعمت شاکر و در محنت صابر و در عمل مخلص و در رفعت متواضع و در جمال پارسا.

ای عزیز! پادشاه امین و وکیل و خزانه‌دار حق است. بر تو باد که در خزانهٔ حق به هوای نفس و تسویل شیطان تصرف نکنی و آنچه بگیری به‌حق گیری و حق به مستحق رسانی، تا در عذاب و فضیحت هول فزع اکبر نمانی... ای عزیز! اگر در ولایت تو یک گرسنه یا برهنه یا ظلم رسیده باشد و تو را از حال وی خبر نبود و تفقد حال وی نکنی، تو را از مرتبهٔ اهل تقوا نصیب نیست.

درس سومی که از میر سیّد علی همدانی می‌توان گرفت این است که باآنکه وی مسلمانی شیعه و دوستدار و پیرو خاندان پیامبر بوده، هرگز نسبت به شخصیت‌های مورد احترام و مورد قبول سایر مذاهب اسلامی بی‌احترامی نکرده و سبب کینه‌توزی و دشمنی میان پیروان مذاهب نشده و تفرقه ایجاد نکرده است. مسلمانان باید از میر سیّد علی

همدانی درس وحدت بیاموزند.

آخرین نکته این است که میر سیّد علی همدانی معنویت و عرفان اسلامی را همچـون روحی در پیکر زبان فارسـی دمیـده و بـا ایـن روح و پیکـر بخـش وسـیعی از ایـران امـروز و کشمیر و پاکستان و افغانستان و تاجیکستان را متحول ساخته است. همهٔ ما امروز آن روح را و هم آن پیکر را عزیز می‌داریم. فرزندان میر سیّد علی همدانی در ایران و تاجیکسـتان و افغانستان، که به زبان او تکلـم می‌کننـد، دسـت بـه دسـت هـم داده‌انـد تـا پژمردگـی را از درخت برومند زبان فارسی دور سازند. ایرانیان و تاجیکـان و افغانـان می‌کوشـند تـا چـراغ زبان فارسی را روشن‌تر کنند. باشد که با نورافشانی این چراغ، صـلح و رحمـت و محبـت و آبادی و آزادی، چنانکه میـر سـیّد علـی آرزو می‌کـرد، بـر جنـگ و خـونریزی و بی‌رحمـی و ویرانی و استبداد چیره گردد.




مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی